

بررسی انواع بندهای متممی در زبان فارسی و شیوه نمایش آنها در فرهنگ‌ها

امید طبیب‌زاده (استادیار دانشگاه بوعلی سینا)

۱ مقدمه

بندها یا جمله‌های پیرو در زبان فارسی دارای سه نقش گوناگونند: (۱) بند وصفی که اسم را توصیف می‌کند. (۲) بند قیدی که، به عنوان قید جمله، کل جمله را توصیف می‌کند. (۳) بند متممی^۱ که یکی از وابسته‌های مستقیم یا متمم‌های فعل محسوب می‌شود. ما در این مقاله، به پیروی از «دستور وابستگی»^۲، کل متمم‌های فعل و از جمله بند متممی را به عنوان مقوله‌های واژگانی در نظر گرفته‌ایم، یعنی مقوله‌هایی که وضعیت آنها، پیش از ظاهر شدن فعل در جمله، در واژگان و در ظرفیت نحوی فعل مشخص شده است. برخی از افعال فارسی فقط با یک بند متممی اجباری به کار می‌روند، یعنی بندی که، اولاً، حذف آن جمله را بدساخت یا ناقص می‌سازد و، ثانیاً، از هیچ متمم دیگری نیز به جای آن نمی‌توان استفاده کرد. این امر نشان می‌دهد که بند متممی خود متممی مستقل و مشخص است و نباید آن را به عنوان نماینده متمم دیگری چون مفعول مستقیم یا مفعول حرف اضافه‌ای در نظر گرفت (← خانلری ۱۳۵۱، ص ۲۵۳؛ شفائی ۱۳۶۳، ص ۳۳۸؛ صادقی و ارژنگ ۱۳۵۹، ص ۵۶-۵۷؛ صدیقیان ۱۳۸۳، ص ۲۵؛ Ahadi 2002, p. 78-100). مثلاً افعال

(۱) complement clause (برای مطالعه درباره این مبحث ← طبیب‌زاده ۱۳۸۴).

(۲) dependency grammar (برای مطالعه درباره این مبحث ← Engel 2002؛ Helbig and Schenkel 1991؛ طبیب‌زاده ۱۳۸۰ ب؛ همو ۱۳۸۳؛ حیدرپور ۱۳۸۳).

«وظیفه‌داشتن» یا «خواهش کردن» از جمله افعالی‌اند که بند متممی در آنها نه قابل حذف است و نه قابل جابه‌جایی با متممی دیگر:

۱. الف) او وظیفه دارد که کار کند.

ب) او؟؟ وظیفه دارد.

پ) * او به رفتن وظیفه دارد.

ت) * او رفتن را وظیفه دارد.

ث) * او وظیفه رفتن دارد.

۲. الف) او از من خواهش کرد که بروم.

ب) او؟؟ از من خواهش کرد.

پ) * او از من به رفتن خواهش کرد.

ت) * او از من رفتن را خواهش کرد.

ث) * او از من خواهش رفتن کرد.

افعال بسیار دیگری نیز وجود دارند که یک بند متممی اجباری می‌گیرند، اما آن بند قابل جابه‌جایی با متمم یا متمم‌های دیگر نیز هست؛ مثلاً فعل «آشکار کردن» که یا با مفعول مستقیم به کار می‌رود یا با بند متممی:

۳. الف) او مسئله دزدی را آشکار کرد.

ب) او آشکار کرد که عده‌ای دزدی کرده‌اند.

و فعل «اصرار داشتن» که یا با مفعول به‌ای به عنوان متمم اجباری خود به کار می‌رود

یا با بند متممی:

۴. الف) اصرار به رفتن دارند.

ب) اصرار دارند که بروند.

در هر حال، چنان‌که گفتیم، بند متممی را در تمام موارد فوق به عنوان مفعول یا متمم مستقل و مشخص در نظر می‌گیریم و آن را مبین متمم دیگری به حساب نمی‌آوریم.

با مشخص کردن مجموع متمم‌ها و چگونگی کاربرد آنها در ساخت ظرفیتی افعال،

کار مراجعه به فرهنگ، خاصه مراجع خارجی در مورد چگونگی استفاده عملی از افعال در جملات، بسیار ساده می‌شود. از سوی دیگر، شناخت دقیق ساخت ظرفیتی افعال راه مفیدی را برای طبقه‌بندی افعال در اختیار می‌گذارد.

در این مقاله، آن گروه از افعال را که بند متممی می‌گیرند به دو دسته کلی تقسیم کرده‌ایم: افعال شخصی و افعال غیرشخصی. افعال شخصی افعالی‌اند که فاعل مشخص دارند و حتی، در صورت حذف فاعل آشکار از جمله، ویژگی‌های آنها را از حیث شخص و شمار در شناسه فعل می‌توان مشاهده کرد و دریافت. اما افعال غیرشخصی فاعل مشخص ندارند و شناسه فاعلی نیز در آنها همواره به صیغه سوم شخص مفرد است.

در بخش‌های ۲ و ۳ مقاله، وضعیت بندهای متممی را به ترتیب در افعال شخصی و غیرشخصی بررسی و راه‌هایی را برای نمایش بندهای متممی آنها در ساخت ظرفیتی فعل پیشنهاد کرده‌ایم. در بخش ۴، کوشیده‌ایم، براساس ساخت‌های ظرفیتی گوناگون افعال، شیوه‌ای را برای طبقه‌بندی افعالی که بند متممی می‌گیرند به دست دهیم. در این بخش، مجموعاً ۱۶ ساخت ظرفیتی محتمل به دست داده‌ایم که البته برای دوتای آنها هیچ شاهدهی نیافته‌ایم و برای تعدادی نیز یک یا دو شاهد یافته‌ایم. ذکر این نکته ضروری است که، در این مقاله، به پیروی از نظریه دستور وابستگی، فاعل را نیز از جمله متمم‌های فعل در نظر گرفته‌ایم. چنان‌که می‌دانیم در غالب دیدگاه‌های نحوی، و از جمله دستور زایشی، جمله را در اولین گام تحلیل نحوی به دو بخش نهاد و گزاره تقسیم می‌کنند اما، در دستور وابستگی، جمله را در آغاز کار تحلیل نحوی به متمم‌های فعل تقسیم می‌کنند؛ مثلاً به فاعل، مفعول مستقیم، مفعول ازی و غیره. (← طبیب‌زاده ۱۳۸۰ ب؛ همو ۱۳۸۳؛ حیدرپور ۱۳۸۳، ص ۱۲۱-۱۳۲)

۲ بند متممی در افعال شخصی

اکثر افعال فارسی از جمله افعال شخصی محسوب می‌شوند. در این قسمت، آن دسته از افعال شخصی را، که بند متممی می‌گیرند، برحسب سؤال‌های زیر، بررسی می‌کنیم:

۱. آیا این افعال، بجز بند متممی، متمم یا متمم‌های دیگری نیز می‌گیرند؟
 ۲. آیا بند متممی در این افعال با متمم یا متمم‌های دیگری قابل جابه‌جایی است یا خیر؟
 ۳. آیا فعل در بند متممی با فاعل بند اصلی مطابقت دارد یا خیر؟
 ۴. آیا وجه فعل در بند متممی باید التزامی باشد یا اخباری یا فرقی نمی‌کند؟
- در ادامه، ابتدا به اختصار درباره دو سؤال نخست بحث کرده و سپس با تفصیل بیشتری به سؤالات سوم و چهارم پرداخته و در هر مورد شیوه‌هایی را برای نمایش متمم‌های افعال پیشنهاد کرده‌ایم.

۲-۱ متمم‌های دیگر بجز بند متممی

- افعالی که بند متممی می‌گیرند ممکن است، علاوه بر بند متممی، متمم یا متمم‌های دیگری نیز بگیرند. مثلاً فعل «اندرز دادن»، علاوه بر بند متممی، یک مفعول به‌ای نیز به عنوان متمم اختیاری می‌گیرد:
۵. او به من اندرز داد که بروم.
 - یا فعل «خواهش کردن»، علاوه بر بند متممی، یک مفعول ازی نیز به عنوان متمم اختیاری می‌گیرد:
 ۶. من از او خواهش کردم بروم.
 - یا فعل «وا داشتن»، علاوه بر بند متممی، یک مفعول مستقیم نیز به عنوان متمم اجباری خود می‌گیرد:
 ۷. او مرا و داشت که ظرف‌ها را بشویم.
- با استفاده از علائم اختصاری فا (=فاعل)، مفع (=مفعول حرف اضافه‌ای یا غیر مستقیم)، مفع (=مفعول مستقیم) و بند (=بند متممی) می‌توان ساخت ظرفیتی این افعال را به سادگی نمایش داد؛ توضیح اینکه متمم‌های اختیاری را درون پرانتز می‌گذاریم:
۸. اندرز دادن: <فا، (مفع به‌ای)، بند <
 ۹. خواهش کردن: <فا، (مفع ازی)، بند <

۱۰. واداشتن: <خفا، مف، بند > یا: <خفا، مف، مفع به‌ای، ... >
مثال: او ما را به بیگاری واداشت.

۲-۲ متمم‌های جانشین‌پذیر

گاهی به جای یک متمم می‌توان از متمم دیگری استفاده کرد. مثلاً در مورد فعل «نگاه کردن» می‌توان از متمم مفعول مستقیم یا از متمم مفعول به‌ای استفاده کرد:

۱۱. الف) او مرا نگاه کرد.

ب) او به من نگاه کرد.

در مورد افعالی که بند متممی می‌گیرند نیز، چنان‌که دیدیم، گاه چنین وضعیتی پیش می‌آید؛ یعنی مثلاً در مورد فعل «گفتن» می‌توان به جای بند متممی (۱۲. الف) از متمم دیگری چون مفعول مستقیم (۱۲. ب) استفاده کرد:

۱۲. الف) گفتم برویم.

ب) این را گفتم.

حتی گاه می‌توان از میان سه متمم گوناگون، که یکی از آنها بند متممی است، یکی را برگزید. مثلاً فعل «منکر بودن» با یکی از سه متمم زیر به کار می‌رود: بند متممی (۱۳. الف)، مفعول مستقیم (۱۳. ب) یا مفعول نشانه اضافه‌ای^۳ (= مفعن) (۱۳. ب).

۱۳. الف) او منکر است که حقیقتی وجود دارد.

ب) او حقیقت را منکر است.

پ) او منکر حقیقت است.

برای نمایش این ویژگی می‌توان از خط کج (/)، که مبین جانشین‌پذیر بودن متمم‌های دو طرف خط است، استفاده نمود:

۱۴. گفتن: <خفا، مف / بند >

۱۵. منکر بودن: <خفا، مف / مفعن / بند >

(۳) در این باره ← طیب‌زاده ۱۳۸۲.

یعنی مثلاً در مورد فعل «گفتن» می‌توان از مفعول مستقیم یا از بند متممی استفاده کرد، یا در مورد «منکربودن» باید، از میان سه متمم مفعول مستقیم، مفعول نشانه اضافه‌ای و بند متممی، یکی را برگزید.

۲-۳ مطابقت فعل بند متممی با فاعل بند اصلی

مطابقت فعل بند متممی با فاعل بند اصلی، بسته به نوع فعل، سه حالت می‌تواند داشته باشد:

۲-۳-۱ حالت اول این است که مطابقت الزاماً وجود دارد و، اگر جز این باشد، جمله بدساخت می‌شود. مثلاً افعال وجهی «توانستن، بایستن و شدن»^۴ و نیز افعالی چون «وظیفه داشتن، اجازه داشتن و خیال داشتن» الزاماً با بندهای متممی‌ای به کار می‌روند که فعل آنها با فاعل بند اصلی هم‌مرجع است. اگر این مطابقت از میان برود، جمله بدساخت می‌شود:

۱۶. الف) او می‌تواند برود.

ب) * او می‌تواند برویم.

۱۷. الف) ما باید برویم.

ب) * ما باید برود.

۱۸. الف) اجازه دارید بروید.

ب) * اجازه دارید بروند.

این نکته را در ساخت ظرفیتی افعال فوق به صورت [+مطابقت] نمایش می‌دهیم:

۱۹. توانستن: <فا، بند [+مطابقت]>

یعنی «توانستن» فعلی است که، اولاً، یک فاعل و یک بند متممی می‌گیرد و، ثانیاً، فعل بند متممی آن الزاماً با فاعل بند اصلی مطابقت دارد.

۲-۳-۲ حالت دوم این است که بین فعل بند متممی و فاعل بند اصلی در حالت بی‌نشان مطابقتی

۴) در دستور زایشی، هیچ‌گاه افعال وجهی را هسته گروه فعلی محسوب نمی‌کنند، اما در دستور وابستگی افعال وجهی هسته فعلی جمله محسوب می‌شوند (در این مورد ← طبیب‌زاده ۱۳۸۳؛ Helbig and Schenkel 1991، p. 3-35).

وجود ندارد و، اگر مطابقتی پدید آید، ساخت دستوری یا معنایی جمله لطمه می‌خورد. افعال «فرمودن، دستور دادن، حق دادن، توصیه کردن، اجازه دادن، واداشتن و فرمان دادن» از جمله افعالی هستند که فعل بند متممی در آنها، در حالت بی‌نشان، نباید با فاعل بند اصلی مطابقت داشته باشد:

۲۰. الف) فرمودم بروید.

ب) * فرمودم بروم.

۲۱. الف) دستور می‌دهم حمله کنید.

ب) * دستور می‌دهم حمله کنم.

۲۲. الف) گذاشتم هر کاری می‌خواهد بکنند.

ب) * گذاشتم هر کاری می‌خواهم بکنم.

البته در این افعال می‌توان با استفاده از یک ضمیر مشترک «خود» یا «خودشان» بین فعل بند متممی و فاعل بند اصلی مطابقت ایجاد کرد، اما این امر جمله را نشان‌دار می‌کند. ایجاد مطابقت از طریق افزودن ضمیر مشترک در این افعال، بسته به نوع فعل، به سه طریق صورت می‌گیرد:

یک) افزودن یک «خود» به صورت مفعول به‌ای به بند اصلی:

۲۳. به خودش فرمود که برود.

دو) استفاده از «خود» به عنوان مفعول مستقیم بند اصلی:

۲۴. خودش را واداشت تا درس بخواند.

سه) آوردن یک «خود + ضمیر متصل» به عنوان فاعل بند متممی:

۲۵. ؟ گذاشتم خودم هر کاری خواستم بکنم.

چون به کارگیری افعال فوق با ضمیر مشترک «خود» جز در حالت نشان‌دار میسر نیست، این افعال را کلاً به عنوان افعالی در نظر می‌گیریم که بین فعل بند متممی و فاعل بند اصلی آنها مطابقت وجود ندارد. این نکته را در ساخت ظرفیتی افعال فوق به صورت [مطابقت] نمایش می‌دهیم:

۲۶. فرمودن: <فا، (مفع به‌ای)، بند [مطابقت] >

۲۷. واداشتن: <فا، مف، بند [-مطابقت]>

۲۸. گذاشتن: <فا، بند [-مطابقت]>

یعنی مثلاً «فرمودن» فعلی است که، اولاً، یک فاعل، یک مفعول به‌ای اختیاری و یک بند متممی می‌گیرد و، ثانیاً، فعل بند متممی در آن با فاعل بند اصلی، در حالت بی‌نشان (یعنی بدون افزودن ضمیر مشترک «خود»)، مطابقت ندارد.

حالت سوم این است که فعل بند متممی هم می‌تواند با فاعل بند اصلی مطابقت داشته باشد هم می‌تواند نداشته باشد؛ یعنی هردو حالت میسر و صحیح است. افعالی چون «آرزو کردن، خیال کردن، فکر کردن، گفتن و وانمود کردن» از این دسته افعال محسوب می‌شوند:

۲۹. الف) آرزو کردم بمیرد.

ب) آرزو کردم بمیرم.

۳۰. الف) خیال می‌کند می‌تواند کاری کند.

ب) خیال می‌کند می‌تواند کاری کند.

۳۱. الف) فکر کردند پیروز شده‌ایم.

ب) فکر کردند پیروز شده‌اند.

۳۲. الف) وانمود می‌کنند که هیچ نمی‌داند.

ب) وانمود می‌کنند که هیچ نمی‌دانند.

برای نمایش این ویژگی در ساخت ظرفیتی افعال فوق، از علامت [+مطابقت] استفاده می‌کنیم:

۳۳. آرزو کردن: <فا، مف / مفن / بند [+مطابقت]>

یعنی «آرزو کردن» فعلی است که، اولاً، علاوه بر فاعل، یکی از سه متمم مفعول مستقیم، مفعول نشانه اضافه‌ای یا بند متممی می‌گیرد و، ثانیاً، در صورت گرفتن بند متممی، فعل بند متممی هم می‌تواند با فاعل بند پایه مطابقت داشته باشد هم می‌تواند نداشته باشد.

به عنوان مثالی دیگر، به ساخت ظرفیتی فعل «وانمود کردن» توجه شود.

۳۴. وانمود کردن <فا، بند [±مطابقت]>

یعنی «وانمود کردن» فعلی است که با یک فاعل و یک بند متممی به کار می‌رود و فعل بند متممی در آن ممکن است با فاعل بند اصلی مطابقت داشته باشد یا نداشته باشد.

۲-۴ وجه فعل در بند متممی

بسته به نوع فعل در بند اصلی، وجه فعل در بند متممی به سه شکل گوناگون ظاهر می‌شود. در اینجا برای تحدید بحث، فقط حالتی را در نظر می‌گیریم که، اولاً، جمله پایه و جمله پیرو هر دو خبری و غیرپرسشی باشند و، ثانیاً، فعل اصلی بند پایه در زمان مضارع باشد.

۲-۴-۱ حالت اول این است که وجه فعل متممی فقط التزامی باشد و ظاهر شدن آن به وجه اخباری باعث بدساخت شدن جمله شود. افعال «آرزو داشتن، اندرز دادن، بایستن، توانستن، خواستن، دستور دادن» از این گروه افعال‌اند:

۳۵. الف) آرزو دارم او را ببینم.

ب) * آرزو دارد او را دیدم.

۳۶. الف) دستور می‌دهد غذا بپزند.

ب) * دستور می‌دهد غذا بختند.

این نکته را در ساخت ظرفیتی افعال به صورت [+التزامی] نمایش می‌دهیم:

۳۷. آرزو داشتن <فا، بند [+التزامی]>

یعنی «آرزو داشتن» فعلی است که یک بند متممی اجباری می‌گیرد و فعل بند متممی آن در زمان مضارع الزاماً باید به وجه التزامی باشد.

۲-۴-۲ حالت دوم این است که فعل بند متممی هیچ‌گاه به وجه التزامی ظاهر نشود و آوردن آن به وجه التزامی باعث بدساخت شدن جمله شود. افعال «ادعا کردن، بوبردن، ثابت کردن و خبر آوردن» از جمله چنین افعالی‌اند:

۳۸. الف) ادعا می‌کند پادشاه است.

ب) * ادعا می‌کند پادشاه باشد.

۳۹. الف) بو می‌برد که ما این کار را کرده‌ایم.

ب) بو می‌برد که ما این کار را کرده باشیم.

۴۰. الف) ثابت می‌کنم که آمده‌اند.

ب) * ثابت می‌کنم که بیایند.

این ویژگی را در ساخت ظرفیتی افعال فوق به صورت [-التزامی] نمایش می‌دهیم:

۴۱. ادعا کردن: <فا، بند [-التزامی]>

۴۲. بو بردن: <فا، بند [-التزامی]>

۳-۴-۲ حالت سوم این است که فعل بند متممی هم به وجه التزامی بتواند ظاهر بشود هم به وجه

اخباری. افعال «اشاره کردن، تصوّر کردن، توضیح دادن، خیال کردن، دادن (=دستور دادن)، فکر کردن و گمان کردن» از این دسته افعال‌اند:

۴۳. الف) اشاره می‌کند که رفتند.

ب) اشاره می‌کند که بروید.

۴۴. الف) تصور می‌کند بیمار است.

ب) تصور می‌کند بیمار باشد.

۴۵. الف) توضیح می‌دهد که رفتند.

ب) توضیح می‌دهد که بروند.

این ویژگی را در ساخت ظرفیتی افعال فوق به صورت [+التزامی] نمایش می‌دهیم:

۴۶. اشاره کردن: <فا، بند [+التزامی]>

۴۷. تصور کردن: <فا، بند [+التزامی]>

۳ بند متممی در افعال غیرشخصی

گفتیم افعال غیرشخصی افعالی هستند که فاعل آشکار ندارند و شناسه آنها نیز همواره به صیغه سوم شخص مفرد است. ترکیباتی چون «بهتر بودن، ضروری بودن، قرار بودن، لازم بودن و محال بودن» از جمله افعال غیرشخصی در فارسی‌اند. نخستین بار دستورنویسان خارجی متوجه وجود چنین ساخت‌هایی در زبان فارسی شدند، اما آنها

این ترکیبات را نه به عنوان واحدهای واژگانی^۵ بلکه به عنوان جملات غیرشخصی در نظر گرفتند (← شفائی ۱۳۶۳، ص ۱۶۷-۱۷۸). تا آنجا که نگارنده می‌داند، خانلری نخستین دستورنویسی بود که این ترکیبات را به عنوان واحدهای واژگانی در نظر گرفت و درباره آنها بحث کرد (← خانلری ۱۳۶۵، ص ۲۵۴). پس از او زبان‌شناسان دیگری نیز به بررسی موارد فوق پرداختند و آنها را به عنوان ترکیباتی واژگانی بررسی کردند (از جمله: صادقی و ارژنگ ۱۳۵۹، ص ۱۸۶؛ Lazard 1992, p. 225; Ahadi 2002, p. 55). خانلری پس از ارائه فهرستی از افعال مرکب فوق اظهار داشته است که آنها با یک جمله پیرو در نقش فاعل به کار می‌روند (خانلری ۱۳۶۵، ص ۲۵۴). یعنی مثلاً جمله (الف.۴۸) را می‌توان به شکل (ب.۴۸) درآورد:

۴۸. الف) ممکن است که او به تهران برود.

ب) رفتن او به تهران ممکن است.

یعنی فاعل در افعال فوق به دو صورت ظاهر می‌شود: یکی مانند افعال شخصی به صورت یک اسم یا گروه اسمی (الف.۴۸)، و دیگری به صورت یک جمله پیرو (ب.۴۸).

ما نیز در اینجا، به پیروی از خانلری، افعال مرکب فوق را واحدهایی واژگانی در نظر می‌گیریم اما آنها را تحت عنوان افعال غیرشخصی بررسی می‌کنیم. البته باید توجه داشت که تعداد و نیز انواع افعال غیرشخصی محدود به موارد فوق نیست و تنوع این افعال بیشتر است. افعال غیرشخصی را به دو دسته: افعال غیرشخصی با فاعل محذوف، و افعال غیرشخصی بدون فاعل تقسیم می‌کنیم. ویژگی مشترک تمام افعال غیرشخصی، چنان‌که اشاره شد، این است که همواره به صیغه سوم شخص مفرد صرف می‌شوند.

۳-۱ افعال غیرشخصی با فاعل محذوف

افعال زیر از جمله افعال غیرشخصی با فاعل محذوف‌اند که بند متممی می‌گیرند: «آسان

بودن، افت داشتن، بدیهی بودن، اهمیت نداشتن، بدنشدن، خوب شدن، دشوار بودن، ضروری بودن، لازم بودن، محال بودن، مسلم بودن، ممکن بودن، معلوم بودن، عجیب بودن و فرق نکردن». این افعال دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند: (۱) محل فاعل آنها در جمله‌های بی‌نشان معمولاً خالی است (کلیه مثال‌های الف در زیر). (۲) این محل خالی را اغلب می‌توان با گروه‌های اسمی چون «این»، «این امر»، «این مسئله» و غیره پر کرد (مثال‌های ب در زیر). باید توجه داشت که گروه‌های اسمی مذکور، در واقع، هسته بند متممی محسوب می‌شوند، زیرا تقریباً همواره می‌توان بند متممی را به واسطه حرف ربط «که» بلافاصله بعد از آنها ذکر کرد (مثال‌های پ در زیر). (۳) معمولاً، با تغییر شکل بند متممی به یک عبارت مصدری یا گروه اسمی، می‌توان آن را مبدل به فاعل جمله نمود (مثال‌های ت در زیر). این امر نیز نشان می‌دهد که بند متممی در افعال فوق در نقش فاعل یا، دقیق‌تر اگر بگوییم، در نقش بخشی از فاعل ظاهر می‌شود:

۴۹. الف) افت دارد که برویم آنجا.

ب) این افت دارد که برویم آنجا.

پ) اینکه برویم آنجا افت دارد.

ت) رفتن به آنجا افت دارد.

۵۰. الف) بهتر است که درس بخوانیم.

ب) این بهتر است که درس بخوانیم.

پ) اینکه درس بخوانیم بهتر است.

ت) درس خواندن بهتر است.

۵۱. الف) اهمیت ندارد که او هم می‌آید.

ب) این اهمیت ندارد که او هم می‌آید.

پ) اینکه او هم می‌آید اهمیتی ندارد.

ت) آمدن او اهمیتی ندارد.

۵۲. الف) بد نشد که او هم آمد.

ب) این بد نشد که او هم آمد.

پ) اینکه او هم آمد بد نشد.

ت) آمدن او بد نشد.

۵۳. الف) ضروری است که نزد رئیس برویم.

ب) این امر ضروری است که نزد رئیس برویم.

پ) این امر که نزد رئیس برویم ضروری است.

ت) رفتن نزد رئیس ضروری است.

۵۴. الف) لازم است که کار را تمام کنیم.

ب) این امر لازم است که کار را تمام کنیم.

پ) اینکه کار را تمام کنیم لازم است.

ت) تمام کردن کار لازم است.

۵۵. الف) عجیب است که او آمد.

ب) این امر عجیب است که او آمد.

پ) این امر که او آمد عجیب است.

ت) آمدن او عجیب است.

۵۶. الف) فرق نمی‌کند که او باشد یا نباشد.

ب) ؟ این امر فرق نمی‌کند که او باشد یا نباشد.

پ) اینکه او باشد یا نباشد فرقی نمی‌کند.

ت) بودن یا نبودن او فرقی نمی‌کند.

از آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که باید، در ساخت ظرفیتی این افعال، فاعل محذوف آنها نمایش داده شود:

۵۷. <فاعل / Ø بند متممی >

یعنی این افعال یا با یک فاعل آشکار در جایگاه اصلی فاعل به کار می‌روند (مثال‌های ب و پ و ت در بالا) یا با یک فاعل محذوف که بخشی از آن به صورت بند متممی بروز یافته است (مثال‌های الف در بالا). گاهی برخی از این افعال معمولاً با یک مفعول حرف اضافه‌ای برای، به عنوان متمم اختیاری، به کار می‌روند:

۵۸. برای ما افت دارد که برویم آنجا.

در این موارد، وجود مفعول برایی را نیز باید در ساخت ظرفیتی افعال نمایش دهیم:

۵۹. افت داشتن: <فاعل / Ø بند متممی، (مفعول برایی)>

از دیگر اطلاعاتی که باید در ساخت ظرفیتی افعال فوق منعکس شود، وجه فعل بند متممی است. بند متممی افعال غیرشخصی نیز، همانند بند متممی افعال شخصی، ممکن است به یکی از سه شکل [+التزامی]، [-التزامی] یا [±التزامی] ظاهر شود. مثلاً بند متممی «بهرتر بودن» در زمان مضارع همواره [+التزامی] است و آوردن آن به صورت [-التزامی] جمله را غیر دستوری می‌سازد.

۶۰. الف) بهتر است برویم.

ب) * بهتر است رفتیم.

اما بند فعل «عجیب بودن» به صورت [±التزامی] ظاهر می‌شود:

۶۱. الف) عجیب است که بیاید.

ب) عجیب است که آمد.

بنابراین ساخت ظرفیتی افعال «بهرتر بودن» و «عجیب بودن» را به شکل‌های زیر

نمایش می‌دهیم:

۶۲. بهتر بودن: <فاعل / Ø بند متممی [+التزامی]>

۶۳. عجیب بودن: <فاعل / Ø بند متممی [±التزامی]>

بدیهی است که مسئله مطابقت فاعل بند متممی با فعل بند اصلی نیز منتفی است، زیرا این دو عملاً یکی هستند؛ بنابراین ممیزه مطابقه را اصلاً در ساخت ظرفیتی این افعال نمایش نمی‌دهیم.

۳-۲ افعال غیرشخصی بدون فاعل

افعال زیر از جمله افعال غیرشخصی بدون فاعل‌اند: «احتمال رفتن، امید بودن، به نظر رسیدن، تصوّر رفتن، جاداشتن، قرار بودن، گمان رفتن، یقین بودن». این افعال فاعل ندارند و افزودن گروه‌های اسمی «این»، «این امر»، «این مسئله» و مانند آن به جایگاه

فاعلی آنها باعث پدید آمدن جملات بدساخت می‌شود (مثال‌های ب و پ در زیر). از طرف دیگر، بند متممی نیز در این افعال فاعل آنها محسوب نمی‌شود، زیرا به هیچ وجه نمی‌توان عبارت مصدری آن را مبدل به فاعل جمله کرد (مثال‌های ت در زیر):

۶۴. الف) احتمال می‌رود که بیاید.

ب) ؟ این احتمال می‌رود که بیاید.

پ) ؟؟ اینکه بیاید احتمال می‌رود.

ت) * آمدن آنها احتمال می‌رود.

۶۵. الف) امید است که حالتان خوب باشد.

ب) ؟؟ این امید است که حالتان خوب باشد.

پ) * اینکه حالتان خوب باشد امید است.

ت) * خوب بودن حالتان امید است.

۶۶. الف) به نظر می‌رسد که بیمار است.

ب) * این به نظر می‌رسد که بیمار است.

پ) * اینکه بیمار است به نظر می‌رسد.

ت) * بیمار بودن او به نظر می‌رسد.

۶۷. الف) جا دارد که به دیدنش برویم.

ب) * این جا دارد که به دیدنش برویم.

پ) * اینکه به دیدنش برویم جا دارد.

ت) * رفتن به دیدن او جا دارد.

۶۸. الف) یقین است که موفق می‌شوید.

ب) * این یقین است که موفق می‌شوید.

پ) * اینکه موفق می‌شوید یقین است.

ت) * موفق شدن شما یقین است.

ساخت ظرفیتی افعال فوق را به شکل زیر نمایش می‌دهیم:

۶۹. < Ø, بند متممی >

علامت تهی (Ø) در آغاز ساخت ظرفیتی به معنای این است که فعل مورد نظر فاعل ندارد. برای نمایش وجه فعل بند متممی نیز می‌توان از ممیزه‌های [+التزامی]، [-التزامی] و [±التزامی] استفاده کرد؛ مثلاً ساخت ظرفیتی افعال «امید بودن» و «جاداشتن» را به شکل زیر نمایش می‌دهیم:

۷۰. امید بودن / جاداشتن: < Ø, بند متممی [+التزامی] >

یعنی هر دو فعل فوق فاعل ندارند و وجه فعل در بند متممی آنها نیز حتماً باید به صورت التزامی باشد (رک ۶۵ و ۶۷).

افعال وجهی «بایستن، توانستن و شدن»، در فارسی امروز، هم به صورت افعال شخصی به کار می‌روند هم به صورت افعال غیرشخصی. در مثال‌های زیر، به کاربرد این افعال به عنوان افعال شخصی توجه کنید:

۷۱. من باید بروم.

۷۲. می‌توانم سخن بگویم.

فاعل در هر دو مثال فوق عبارت است از اول شخص مفرد. در این حالت، ساخت ظرفیتی هر دو آنها به شکل زیر خواهد بود:

۷۳. < فاعل، بند متممی [+مطابقه، +التزامی] >

حال به کاربرد این افعال به عنوان افعال غیرشخصی توجه شود:

۷۴. باید رفتن / رفت.

۷۵. می‌توان سخن گفتن / گفت.

ساخت ظرفیتی این افعال به شکل زیر خواهد بود:

۷۶. < Ø, بند متممی [مصدر(مرخم)] >

علاوه بر این، برخی اصوات نیز بند متممی می‌گیرند:

۷۷. وه که چقدر زیباست!

۷۸. حیف که نیامدی!

از آنجا که طبق تعریف: «صوت سخنی است که مفهوم یک جمله کامل را دربردارد» (صادقی و ارژنگ ۱۳۵۸، ص ۱۹)، می‌توان صوت را نیز به عنوان فعلی غیرشخصی و بدون

فاعل در نظر گرفت و ساخت ظرفیتی اصواتی را که بند متممی می‌گیرند به شکل زیر نمایش داد:

۷۹. < Ø, بند متممی [-التزامی] >

۴ طبقه‌بندی انواع بندهای متممی

دیدیم که بندهای متممی، بسته به نوع افعال، اشکال گوناگون می‌یابند. این تنوعات را می‌توان به صورت خاصی طبقه‌بندی کرد و انسجامی توصیفی به کل بحث بخشید. باید توجه داشت که تعیین ساخت ظرفیتی افعال مطلقاً نباید براساس شَمّ زبانی دستورنویس یا فرهنگ‌نگار صورت گیرد، زیرا این عمل خواه‌ناخواه به بروز تأویلات فردی و نهایتاً تجویزی می‌انجامد؛ در حالی که زبان پدیده‌ای اجتماعی است و صرفاً همین بعد از زبان است که باید مبنای مطالعات زبان‌شناختی و علمی قرار گیرد. برای احتراز از دخالت شَمّ زبانی و تأویلات فردی، دستورنویس یا فرهنگ‌نگار باید ابتدا پیکره غنی و مفصلی از کاربردهای واقعی افعال گرد آورد، سپس، براساس آن پیکره، به تعیین ساخت ظرفیتی افعال اقدام کند.

۴-۱ طبقه‌بندی انواع بندهای متممی در افعال شخصی

بند متممی را در افعال شخصی می‌توان براساس دو ممیزه [مطابقت] و [التزامی] و نیز سه ارزش [+]، [-]، [±] برای هر یک از آنها به ۹ ساخت محتمل تقسیم کرد. این ۹ ساخت را به ترتیب بسامد کاربرد آنها در زیر می‌آوریم و برای هر یک مثال‌هایی را عرضه می‌کنیم. شایان ذکر است که فهرست حاضر را براساس ۱۵۰ فعل فارسی، که به‌طور تصادفی گردآوری شده است، تنظیم کرده‌ایم. بدیهی است که، با افزایش تعداد افعال، ممکن است تغییراتی در ترتیب فهرست زیر پدید آید:

۴-۱-۱ [± مطابقت، ± التزامی] - افعالی چون «اشاره کردن، پیغام دادن، تصریح کردن، توضیح دادن، خبر دادن، خیال کردن، قسم خوردن، گفتن، هشدار دادن» به این گروه تعلق دارند:

۸۰. الف) اشاره می‌کند که می‌رود.

ب) اشاره می‌کند که برویم.

۸۱. الف) پیغام می‌دهد که می‌آید.

ب) پیغام می‌دهد که بیاییم.

بند متممی این افعال در زمان ماضی نیز به صورت [±مطابقه، ±التزامی] است:

۸۲. الف) اشاره کرد که می‌رود.

ب) اشاره کرد که برویم.

۸۳. الف) پیغام داد که می‌آید.

ب) پیغام داد که بیاییم.

۴-۱-۲ [-مطابقه، +التزامی] - افعال «اجازه‌دادن، اندرزدادن، برانگیختن، توصیه کردن، توقع داشتن، حق دادن، خواهش کردن، دادن (=دستور دادن)، سفارش دادن، کمک کردن، گوشزدکردن، متوقع بودن، مقید کردن، مؤکد کردن، واجب کردن» به این گروه تعلق دارند:

۸۴. اجازه می‌دهد بروم.

۸۵. اندرز می‌دهد بیایم.

۸۶. مرا برمی‌انگیزد که به سفر بروم.

۸۷. داد خانه را بشویند.

وجه بند متممی این افعال در زمان ماضی به صورت [±التزامی] درمی‌آید:

۸۸. الف) او اجازه داد که بروم.

ب) او اجازه داد که رفتم.

۸۹. الف) مرا برانگیخت که به اروپا بروم.

ب) مرا برانگیخت که به اروپا رفتم.

توجه شود که وقتی، در زمان ماضی، فعل بند متممی این افعال به وجه اخباری ظاهر می‌شود، تکیه جمله معمولاً روی فاعل قرار می‌گیرد و، در صورت حذف فاعل، تکیه جمله روی فعل واقع می‌شود (۸۸ ب و ۸۹ ب).

۴-۱-۳ [± مطابقه، + التزامی]- افعال «آرزو داشتن، آرزو کردن، اجازه گرفتن، اصرار داشتن، امید داشتن، امیدوار بودن، پیشنهاد کردن، انتظار داشتن، خواستن، درخواست کردن، مسئلت داشتن، مصلحت دانستن، منتظر بودن، میل داشتن، نفرت داشتن» از جمله افعالی هستند که به این گروه تعلق دارند:

۹۰. الف) آرزو دارد برود.

ب) آرزو دارد بروم.

۹۱. الف) اجازه می‌گیرد بروم.

ب) اجازه می‌گیرم بروم.

۹۲. الف) اصرار دارد بروم.

ب) اصرار دارم بروم.

۴-۱-۴ [± مطابقه، + التزامی]- افعال «آشکار کردن، ادعا کردن، تأیید کردن، ثابت کردن، خبر آوردن، دانستن، دریافتن، فهمیدن، وانمود کردن» از جمله افعال این گروه محسوب می‌شوند:

۹۶. الف) دولت تأیید می‌کند که مصرف سوخت افزایش یافته است.

ب) دولت تأیید می‌کند که برای مصرف سوخت پیشنهاداتی داده است.

۹۷. الف) آنها خبر می‌آورند که پیروز شده‌ایم.

ب) آنها خبر می‌آورند که پیروز شده‌اند.

بند متممی این افعال در زمان ماضی نیز به صورت [± مطابقه، - التزامی] است:

۹۸. دولت تأیید کرد که مصرف سوخت افزایش یافته است.

۹۹. دولت تأیید کرد که برای مصرف سوخت پیشنهاداتی داده است.

۴-۱-۵ [± مطابقه، + التزامی]- افعال «آموختن، اجازه داشتن، بایستن، توانستن، خیال داشتن، وظیفه داشتن» از جمله افعال این گروه محسوب می‌شوند:

۱۰۰. می‌آموزم که شکار کنم.

۱۰۱. اجازه دارید در محوطه قدم بزنید.

۱۰۲. می‌توانند همه کار بکنند.

بند متممی این افعال در زمان ماضی نیز همواره به شکل [+مطابقه، +التزامی] است:

۱۰۳. آموختم که شکار کنم.

۱۰۴. اجازه داشتید که در محوطه قدم بزنید.

۱۰۵. می توانستند همه کار بکنند.

۴-۱-۶ [-مطابقه، -التزامی]- فعل «بو بردن» از این گروه محسوب می شود:

۱۰۶. بو برده است که چکار می کنید.

بند متممی این افعال در زمان ماضی نیز به صورت [-مطابقه، -التزامی] است:

۱۰۷. بو برده بود که اینجا هستیم.

۱۰۸. بو برد که چکار می کنید.

۴-۱-۷ [+مطابقه، ±التزامی]- در این گروه، افعال بسیار اندکی وجود دارند؛ یکی از افعالی که

می توان متعلق به این گروه دانست «تهدید کردن» است:

۱۰۹. الف) او تهدید می کند که همه را بکشد.

ب) او تهدید می کند که همه را می کشد.

بند متممی این فعل در زمان ماضی به صورت [+مطابقه، -التزامی] درمی آید:

۱۱۰. او تهدید کرد که همه را می کشد.

۴-۱-۸ [+مطابقه، -التزامی]- از این گروه، فعلی مشاهده نشده است.

۴-۱-۹ [-مطابقه، ±التزامی]- از این گروه نیز، فعلی مشاهده نشده است.

۴-۲ طبقه بندی انواع بندهای متممی در افعال غیر شخصی

بندهای متممی در افعال غیر شخصی، بسته به اینکه آیا با فاعل محذوف به کار می روند

(<فاعل / Ø> بند متممی < یا اینکه اصولاً فاقد فاعل اند (> Ø، بند متممی <)، به دو دسته

کلی تقسیم می شوند و هر دسته، بر حسب وجه فعلشان، به سه گروه [+التزامی]،

[-التزامی] و [±التزامی] تقسیم می شود. بنابراین انواع بندهای متممی در افعال

غیر شخصی در ۶ طبقه می گنجند که، با در نظر گرفتن کاربرد غیر شخصی افعال وجهی،

این رقم به ۷ می رسد. در اینجا این طبقات را براساس کثرت استعمال آنها معرفی

می‌کنیم و برای هر یک مثال‌هایی عرضه می‌کنیم.

۴-۲-۱ <فا/ Ø بند متممی [+التزامی]> افعال «آسان‌بودن، افت داشتن، بد شدن، بهتر بودن، خوب شدن، دشوار بودن، ضروری بودن، طولی نکشیدن، لازم بودن، محال بودن، ممکن بودن» از جمله افعال این گروه هستند:

۱۱۱. آسان است که فقط حرف بزینم.

۱۱۲. خوب می‌شود که به تهران برویم.

۱۱۳. دشوار است که او را فراموش کنیم.

۱۱۴. طولی نمی‌کشد که به مقصد برسیم.

۱۱۵. محال است تو را تنها بگذارم.

بند متممی این افعال در زمان ماضی نیز غالباً به صورت [+التزامی] باقی می‌ماند:

۱۱۶. آسان بود که حرف بزینم.

۱۱۷. دشوار بود که او را فراموش کنیم.

۱۱۸. محال بود تو را تنها بگذارم.

۴-۲-۲ <Ø بند متممی [+التزامی]> افعال «احتمال رفتن، امید بودن، جا داشتن، قرار بودن، کافی بودن، گمان رفتن، نمی‌خواستن، وقت بودن» به این گروه تعلق دارند:

۱۱۹. احتمال می‌رود که بیایند.

۱۲۰. امید است که خوب باشید.

۱۲۱. جا دارد که حرف بزیند.

۱۲۲. قرار است که برویم سینما.

۱۲۳. کافی است که حرف بزنی.

۱۲۴. نمی‌خواهد که در را ببندی.

۱۲۵. وقت است که باز آیی.

بند متممی این افعال در زمان ماضی غالباً به صورت [+التزامی] باقی می‌ماند:

۱۲۶. احتمال می‌رفت که بیایند.

۱۲۷. امید بود که خوب باشید.

اما گاهی بند متممی در این افعال به شکل [±التزامی] درمی‌آید.

۱۲۸. الف) جا داشت که حرف بزید.

ب) جا داشت که حرف می‌زدید.

۴-۲-۳ <فا Ø بند متممی [±التزامی]> افعال «اهمیت نداشتن، خوب بودن، عجیب بودن» به این گروه تعلق دارند:

۱۲۹. الف) اهمیت ندارد که بیاید.

ب) اهمیت ندارد که آمده است.

۱۳۰. الف) خوب است که به سینما برویم.

ب) خوب است که به سینما رفتیم.

۱۳۱. الف) عجیب است که بیاید.

ب) عجیب است که آمد.

بند متممی این افعال در زمان ماضی نیز غالباً به صورت [±التزامی] است.

۴-۲-۴ <فا Ø بند متممی [-التزامی]> افعال «بدیهی بودن، مسلم بودن» در این گروه می‌گنجند:

۱۳۲. بدیهی است که می‌آید.

۱۳۳. مسلم است که می‌رویم.

بند متممی این افعال در زمان ماضی نیز به صورت [-التزامی] باقی می‌ماند.

۴-۲-۵ <Ø بند متممی [±التزامی]> افعال «به‌نظر آمدن، به‌نظر رسیدن، تصوّر رفتن» در این گروه قرار دارند.

۱۳۴. الف) به نظر می‌آید که غذا بخورند.

ب) به نظر می‌آید که غذا خورده‌اند.

۱۳۵. الف) تصوّر می‌رود که بیایند.

ب) تصوّر می‌رود که آمده‌اند.

بند متممی این افعال در زمان ماضی غالباً به صورت [±التزامی] باقی می‌ماند.

۴-۲-۶ <Ø بند متممی [-التزامی]> فعل «یقین بودن» و نیز برخی از اصوات به این گروه تعلق دارند:

۱۳۶. یقین است که راست می‌گوید.

۱۳۷. وای که چه زیباست!

بند متممی فعل «یقین بودن» در زمان ماضی نیز به صورت [-التزامی] باقی می‌ماند:

۱۳۸. یقین بود که راست می‌گوید.

۴-۲-۷ > Ø بند متممی [مصدر (مرخم)] < افعال وجهی «بایستن، شدن، توانستن»، علاوه بر

اینکه به عنوان افعال شخصی به کار می‌روند، به صورت غیر شخصی نیز کاربرد دارند و

بند متممی می‌گیرند. کاربرد غیر شخصی این افعال در دسته زیر می‌گنجد:

۱۳۹. باید رفتن / رفت.

۱۴۰. می‌توان سخن گفتن / گفت.

۵ درباره نمایش ساخت‌های ظرفیتی در فرهنگ‌ها

در این مقاله، مجموعاً ۱۶ آرایش گوناگون برای انواع بندهای متممی در زبان فارسی به دست داده‌ایم. همچنین متذکر شده‌ایم که مشخص کردن نوع بند متممی برای هر فعل، در فرهنگ‌ها، کاربرد دقیق آن فعل را به وضوح به مراجعان نشان می‌دهد اما باید توجه داشت که ویژگی‌های بند متممی تنها بخشی از اطلاعاتی است که درون ساخت ظرفیتی فعل گنجانده می‌شود. مثلاً، بند متممی فعل «کمک کردن» را به شکل زیر نمایش می‌دهیم:

۱۴۱. <- مطابقه، +التزامی >

اما ساخت ظرفیتی این فعل بسیار پیچیده‌تر از ویژگی‌های بند متممی آن است:

۱۴۲. کمک کردن: <فا، مفعول / مفعول به‌ای / مفعول نشانه اضافه‌ای، بند متممی

[-مطابقه، +التزامی] <

اگر قرار باشد در مقابل هر فعل، در فرهنگ، ساخت ظرفیتی کامل آن را بنویسیم، بیهوده بر حجم فرهنگ افزوده‌ایم. بنابراین بهترین راه این است که ابتدا فهرست کاملی از تمام ساخت‌های ظرفیتی افعال فارسی را با شماره مسلسل در آغاز فرهنگ بیاوریم، سپس، در مقابل هر فعل در فرهنگ، فقط شماره ساخت یا ساخت‌هایی را که مربوط به

آن فعل است منظور کنیم. توضیح این نکته ضروری است که تعداد ساخت‌های ظرفیتی افعال در هر زبانی محدود است و یکی از اهداف دستور وابستگی تهیه فهرستی از این ساخت‌ها در هر زبان می‌باشد. (Engel 2002, p. 29-39 ←)

منابع

- حیدرپور، تهمینه (۱۳۸۳)، «شیوه‌های تغییر ظرفیت فعل در زبان فارسی»، مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی، به کوشش ابراهیم کاظمی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، تهران، ص ۱۲۱-۱۳۲.
- خانلری، پرویز (۱۳۵۱)، دستور زبان فارسی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- شفائی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی دستور زبان، نوین، تهران.
- صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارژنگ (۱۳۵۸)، دستور سال دوم آموزش متوسطه عمومی (فرهنگ و ادب)، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- _____ (۱۳۵۹)، دستور سال چهارم آموزش متوسطه عمومی (فرهنگ و ادب)، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- صدیقیان، مهین‌دخت (۱۳۸۳) ویژگی‌های نحوی زبان فارسی در نثر قرن پنجم و ششم هجری، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۰ الف)، «عبارتهای فعلی ضمیردار در زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، د ۵، ش مسلسل ۱۸، ص ۸-۲۰.
- _____ (۱۳۸۰ ب)، «تحلیل وابسته‌های نحوی فعل در زبان فارسی براساس نظریه ظرفیت واژگانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۶، ش ۱، ص ۴۳-۷۶.
- _____ (۱۳۸۲)، «مفعول نشانه اضافه‌ای در فارسی»، نامه فرهنگستان، د ۶، ش ۱، ص ۱۰۳-۱۱۷.
- _____ (۱۳۸۳)، «وابسته‌های فعل در زبان فارسی براساس نظریه وابستگی»، دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان، ج ۱، ش ۱، ص ۱۳-۲۸.
- _____ (۱۳۸۴)، «بندهای پیرو و دو نوع بند متممی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران، به کوشش مصطفی عاصی، انجمن زبان‌شناسی ایران، تهران، ص ۶۹-۷۸.

Ahadi, Shahram (2001), *Verbegeanzungen und zusammengesetzte Verben im Persischen in Erm Valeztheoretische Analyse*, Reichert Verlag, Wiesbaden.

ENGEL, U. (2002), *Kurze Grammatik der deutschen Sprache*, Iudicium Verlag, Muenchen.

Helbig, G. und W. Schenkel (1991), *Worterbuch zur Valenz und Distribution deutscher Verben*, May Niemeyer Verlag, Tuebingen.

LAZARD, G. (1992), *Grammar of Contemporary Persian*, Mazda Publisher, Costa Mesa.

